



در سرزمین پهناور زبان و ادبیات فارسی، شهرت هیچ دیوانی به پای دیوان حافظ نمی‌رسد. کثرت نسخه‌های خطی بر جای مانده از دیوان حافظ خود بهترین گواه این مدعاست. در هفت هشت دهه گذشته نسخه‌های کهن متعددی از دیوان حافظ به دست آمده و به چاپ رسیده است، و دور نیست که در آینده نیز نسخه‌های دیگری به دست آید.

تازه‌ترین روینداز در این زمینه پیدا شدن کهن‌ترین نسخه نسبتاً کامل از دیوان حافظ مورخ سال ۸۰۳ قمری است که در کتابخانه ابوریحان بیرونی، وابسته به مؤسسه شرق‌شناسی تاشکند، نگهداری می‌شود. این نسخه خطی اساس چاپ تازه‌ای از دیوان حافظ قرار گرفته است که به کوشش آقایان سید صادق سجادی و علی بهرامیان همراه با توضیح واژه‌ها و معنای ابیات از آقای کاظم پرگ نیسی، از سوی انتشارات فکر روز منتشر شده است. قدمت نسخه نو یافته، توضیحات جامع‌ترین هر غزل، اعراب‌گذاری متن دیوان و کیفیت چاپ، اثری را پدید آورده است که در نوع خود بی‌نظیر است. برای آنکه علاقه‌مندان دیوان خواننده شیرازه تصویر روشن‌تری از چاپ حاضر داشته باشند، به توضیح ویژگی‌های مختلف آن می‌پردازیم:

نسخه خطی نو یافته را کاتبی به نام «برهان بن غیاث کرمانی» در سال ۸۰۳ قمری برای یکی از امرا و صاحب منصبان آن روزگار استنساخ کرده است که از او با لقب «مجدالدوله والدین» یاد کرده است. از آنجا که حافظ، بنا به روایت مشهور، در سال ۷۹۲ قمری درگذشته است، بنا بر این،



● صفحه آخر نسخه دیوان حافظ

نسخه خطی حاضر کم و بیش ۱۱ سال پس از درگذشت او کتابت شده است، و تا به امروز قدیمی‌ترین نسخه نسبتاً کامل از دیوان حافظ به شمار می‌آید. شمار غزل‌های دیوان حافظ در نسخه‌های خطی کهن متفاوت است. معمولاً هر چه نسخه کهن‌تر باشد تعداد غزل‌ها کمتر است، مثلاً نسخه معروف مرحوم سید عبدالرحیم خلخالی مورخ ۸۲۷ قمری که نخستین بار در آبان ماه ۱۳۰۶ شمسی به همت او به چاپ رسید و بعدها اسابین طبع قزوینی - غنی قرار گرفت (۱۳۲۰ شمسی)، شامل ۴۹۵ غزل است، اما مثلاً نسخه ۸۲۲ قمری متعلق به کتابخانه «توپقاپو سرای اسلامبول» ۴۴۲ غزل دارد، یا در نسخه مورخ ۸۱۸ قمری حیدرآباد هندوستان ۴۱۵ غزل ثبت شده است، و یا نسخه مورخ ۸۱۳ قمری کتابخانه «ایا صوفیه» ۲۵۵ غزل دارد. نسخه حاضر شامل ۴۰۷ غزل غیر مکرر و ۴ قصیده و ۲۳ قطعه و ۴۳ رباعی و ۱ ترجیع بند است که نواقص آن عمدتاً براساس چاپ قزوینی - غنی و با توجه به چاپ‌های خلخالی و خابلری و سایه بر طرف شده است، به گونه‌ای که دیوان حافظ انتشار یافته شامل ۵۱۱ غزل شده است.

در این نسخه خطی روایت‌های تازه و بسیار جالبی از برخی بیت‌های حافظ آمده است که در اینجا به نقل دو نمونه از آنها اکتفا می‌کنیم:

۱. در غزل «دوش پنهان گفت با من کاردانی تیز هوش»، بیتی هست که روایت معروف آن چنین است:

بر بساط نکتہ دانان خود فروشی شرط نیست

یا سخن دانسته گو ای مرد عاقل یا خموش

اما در این نسخه روایت چنین است:

در بساط نکتہ دانان خود فروشی شرط نیست

یا سخن سر بسته گو ای مرد عاقل یا خموش

و پیدا است که «سر بسته» بسیار مناسب تر از «دانسته» است؛ زیرا بیت می گوید که در محضر آدم های نکتہ سنج، خود نمایی و اظهار فضل شرط ادب نیست و در چنین محضری عاقل کسی است که به صورت اشاره و پوشیده و مختصر سخن بگوید. همان گونه که در توضیح زیر غزل آمده، مضمون این بیت یادآور مثل معروف «العاقل تكفيه الاشارة» (عاقلان را یک اشارت بس بود، در خانه اگر کس است یک حرف بس است) است؛ و گرنه انسان عاقل قاعدتاً دانسته سخن می گوید.

۲. در غزل «کنار آب و پای بند و طبع شعر و یاری خوش» بیتی هست که روایت معروف آن

چنین است:

می یسی در کبایه چشم است ساقی را بنامیزد

که مستی می کند با عقل و می بخشد خماری خوش

روایت این بیت در نسخه حاضر چنین است:

می یسی در گله چشم است ساقی را بنام ایزد

که مستی می کند با عقل و می بخشد خماری خوش

این روایت بسیار مهم است، نه تنها از این نظر که شاهد تازه ای برای «گله» (به معنای مردمک چشم) به دست می دهد، بلکه به خصوص از این نظر که تکلیف معنای بیت دیگری از دیوان حافظ را برای همیشه و به طور قطعی روشن می کند، و آن بیت این است:

قیاس کردم و آن چشم جادوانه مست

هزار ساحرِ سنامریش در گله بود

همان گونه که در توضیح زیر غزل آمده معنا و تلفظ واژه «گله» در این بیت حافظ بارها مورد بحث قرار گرفته است. برخی آن را «گله» به معنای «رَمه، گروهی از حیوانات که در یک جا چرا می کنند» دانسته اند و برخی آن را «گله» به معنای «شکوه و شکایت» گرفته اند، اما این معانی قانع کننده نیست. واژه «گله» در اینجا صورت دیگری از «گله» به معنای «مردمک چشم، سیاهی چشم» است و به این ترتیب بیت مورد نظر معنای درست و منطقی خود را پیدا می کند. معنایی که برگ نیسی برای این بیت نوشته چنین است: «مقایسه کردم و دریافتم که سیاهی آن چشم

افسونکارِ ثُمار چنان جادویی دارد که گویی نیروی هزار جادوگرِ پیروه دست مانند سامری را در خود جمع کرده است.

توضیحاتی که زیر هر غزل آمده شامل معنای واژه‌ها و اصطلاحاتِ گوناگون و معنای بیت‌هاست. هیچ بیتِ دشواری نادیده گرفته نشده است و در عین حال از تفسیر شخصی پرهیز شده است. تفسیر کاری است که خواننده شعر حافظ خود باید به آن پردازد و برای این منظور همه اطلاعات لازم در اختیار او گذاشته شده است. بسیاری از واژه‌ها در زبان شعر، گذشته از معنای حقیقی خود، به یک یا چند معنای مجازی به کار می‌روند، همه معانی مجازی متناسب با متن غزل توضیح داده شده است، مثلاً واژه «لعل» در شعر حافظ علاوه بر معنای حقیقی خود (سنگ قیمتی سرخ رنگ) به معنای «لبِ معشوق» و گاه «اشک خونین» و نیز «شرابِ قرمز» به کار رفته است. همچنین هر جا که حافظ واژه‌ای را به گونه‌ای دو پهلو به کار برده است (ایهام) به هر دو معنا اشاره شده و گاه ۲ یا ۳ معنا برای یک بیت ذکر شده است. در این توضیحات نکات جالبی دیده می‌شود که مستقیماً از خود بیت به دست نمی‌آیند و خواننده امروز بدون دانستن آنها در فهم معنای بیت با مشکل مواجه می‌شود. مثلاً در توضیح بیت:

گشته چاه زَنخدان توام کز هر طرف

صد هزارش گردن جان زیر طوقِ غنچه است
علاوه بر معنای تک تک واژه‌ها و ترکیبات و معنای بیت، می‌خوانیم: «در پسند آن روزگار یکی از ویژگی‌های زن دلخواه داشتن اندامی فریه و گوشه‌نلوده بوده، پیداست که امروزه دیگر «گوشه‌نلود» بودن از معیارهای زیبایی به حساب نمی‌آید و خوانندگان معاصر اگر متوجه چنین نکته‌ای نباشند، دست کم تعجب خواهند کرد.»

در این توضیحات به آیات قرآنی و احادیث بسیاری اشاره شده است که حافظ به هنگام آفرینش شعر خود به آنها نظر داشته است. همچنین اصطلاحات مهم شعر حافظ که نیازمند توضیح بیشتری است در «فرهنگ اصطلاحات پایان کتاب» آمده است و در «فرهنگ اعلام پایان کتاب» برای هر یک از اعلام غزل‌های حافظ شرحی مختصر و مفید می‌توان یافت. علاوه بر این همه بیت‌های عربی غزل‌ها به فارسی ترجمه شده است. توضیحات زیر غزل‌ها به زبانی ساده و برای عموم خوانندگان فارسی زبان نوشته شده است. به جرأت می‌توان گفت که دیوان حافظ برای نخستین بار به صورتی عرضه شده که همگان می‌توانند آن را «بخوانند» و «بفهمند».

درست خوانی متن دیوان حافظ همواره برای عموم خوانندگان شعر آسمانی خواجه شیراز مشکلی جدی بوده است. بارها دیده‌ایم که مثلاً مجریان رادیو و تلویزیون در خواندن یک غزل دچار اشتباهات متعددی می‌شوند. اکنون با وجود این چاپ دیگر تصور نمی‌رود که کسی در

خواندن شعر حافظ مرتکبِ خطا شود. اعراب گذاری متن دیوان حافظ به گونه‌ای است که هیچ خواننده‌ای را در نحوه خواندن بیت مورد نمی‌گذارد.

نحوه آرایش صفحات این دیوان بسیار چشمگیر و زیباست. در واقع در میان کتاب‌های چاپ شده به زبان فارسی برای آن نظیری نمی‌توان یافت. کنار هر یک از بیت‌های غزل شماره‌ای با رنگی متفاوت دیده می‌شود که به گونه‌ای چشمگیرتر در متن توضیحات نیز آمده است. بدین ترتیب خواننده به سرعت تمام به توضیحاتِ بیتِ مورد نظر خود راهنمایی می‌شود. پس از هر شماره نخست واژه‌ها و اصطلاحات با رنگِ سوم چاپ شده است و هر بیتی که نیاز به معنا داشته باشد، پس از عنوانِ رنگی «معنای بیت» توضیح داده شده است. حجم توضیحات زیر غزل‌ها بی‌گمان خود کتابی قطور است که با ظرافت تمام در فضای اندک جای گرفته است. گاه توضیحات غزل تا صفحهٔ روبرو ادامه یافته است. کتاب با بهترین نوع کاغذ (گلاسهٔ دورومات) چاپ شده، زیرا به گفتهٔ ناشر، کتابی با این مشخصات را نمی‌توان بر روی کاغذ معمولی چاپ کرد.

در مقدمهٔ ناشر آمده است: «انتشارات فکر روز به هیچ وجه در پی آن نبوده است که چاپی نفیس یا فاخر از دیوان حافظ ارایه دهد. همهٔ کارهایی که برای این کتاب صورت گرفته، از انتخاب نوع کاغذ، انتخاب رنگ‌ها، تا چاپ سه رنگ غزل‌ها، هدفی جز رسیدن به کتابی که بتوان آن را آسان‌تر خواند و فهمید، نداشته است.» به رغم این سخنی ناشر باید گفت که کتاب عرضه شده بسیار زیباست و جا دارد که به همهٔ کسانی که در پدید آوردن آن سهیم بوده‌اند، تبریک بگوییم.



● نمونه‌ای از نسخهٔ اصل دیوان حافظ